

## بررسی حکمت آیه نور، بانگرتشی بر کتیبه‌های قرآنی در معماری اسلامی<sup>۱</sup>

گلی سادات خدانشناس شیرازی<sup>۲</sup>

دکتر سید محمد حسین نواب<sup>۳</sup>

دکتر احسان پور نعمان<sup>۴</sup>

### چکیده

در اسلام، باز نمودن تجلی در هیچ تصویر انسان گونه ای ممکن نیست. محراب نماز از طریق پیوندش با آیه نور با خورشید الهی منور می شود. وجود و نقش خداوند نور آسمان ها و زمین است؛ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور، ۳۵). تجلی حضور خداوند، در معماری اسلامی و فضاهای مذهبی، نور است. احاطه نور است که خودش و غیرش را در بر می گیرد. نور ظاهر بالذات است و غیر را هم ظاهر می سازد. سوال اصلی در این پژوهش بررسی حکمی، آیه نور در کتیبه‌های قرآنی، برگرفته از آیات قرآنی، است. هدف بیان رویکرد نور در عرفان اسلامی، نور همواره بیان تجلی خداوند است، که از مصادیق ارزشمند، در معماری اسلامی مورد استفاده، قرار گرفته است. در روش انجام پژوهش، با رویکرد تفسیری و روش تحلیل متن در برداشت از آیات قرآن استفاده شده است. فرضیه پژوهش نور در تعالیم قرآنی بیان تجلی خداوند و ایجاد فضای معنوی، نقش تمثیلی آن آشکارگی، و رهنمون شدن به نور محض و روشنائی است. از نتایج پژوهش کارکرد هنر مقدس به طور کلی این است که محملی برای حضور الهی باشد، و نتیجه هنرمند مسلمان این کارکرد را به عنوان حضور بلکه همچون آزاد کردن تمامیت رازآمیز تصور می نماید، برگزیدن این آیه از سوی، هنرمندان در معماری اسلامی، از آن جهت که وحی تنها نوعی درخشش نور از جهان دیگر نیست بلکه همچنین نورش را از راه هدایت به سوی جهان دیگر می افکند.

۱ مقاله مستخرج از رساله دکتری، نویسنده مسئول، «حکمت انتخاب آیات در کتیبه های قرآنی (بررسی موردی ابنیه دوره صفویه و دوره عثمانی)

۲ دانشجوی دکتری حکمت هنر دینی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم. mahgol.shoes@gmail.com

۳ استادیار مؤسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی، قم. mh.navvab@urd.ac.ir

۴ دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، قم. purnoman@gmail.com

## واژه‌های کلیدی: نور، قرآن، معماری اسلامی، کتیبه‌های قرآنی، خوشنویسی و معنویت زیبایی

## مقدمه

معماری قدسی اسلام تجلی بخش حقیقت خداوند است ساختار معماری و خلقت به این معماری برفیض و صدور کلام وحی است. در قرآن چنین آمده *اللَّهُ نُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ* و حدیثی نبوی است که وجهی کیهان زایانه و کیهان شناسانه به این آیه می افزاید اولین چیزی که خداوند آفرید نور بود. این حقیقت مهم جهان اسلامی در آسمان ها و نور متجلی است و ویژگی بخش اعظم معماری جهان اسلام است. پژواک کلمه و نور به فضا ها و اشکال معماری قداست می بخشد تا کتیبه ها در معماری اسلامی کیفیتی قدسی بیافرینند. ( نصر، ۱۳۸۹، صص ۶۲، ۶۳) رویکرد حکمی به آیه نور مبتنی بر مجموع برآیندی از دیدگاه های عرفانی سهروردی مکتب اشراق، ابن هیثم، غزالی، عزیز الدین نسفی، ابن عربی و سنت گرایان است. در بیان مسئله بررسی حکمی آیه ی نور در برگزیدن در این آیه از سوی حکما و معماران است.

در تمامی ادیان الهی، نور نماد عقل الهی و منشاء خیر و تمام پاکی و نیکی ها است. پرتو نور الهی و تابیده شدن نور معرفت بر آدمی همواره باعث رشد و تکامل معنوی است. پرتو شعاع های نور در مساجد و ابنیه اسلامی یادآور حس نزدیکی به منبع وجود هستی می باشد. نور همیشه نماد آگاهی است و درخشش نور الهی وحی، نقش تمثیلی آن آشکارگی و رهنمون شدن به نور محض است. به واقع وحی نورش را از راه هدایت به سوی جهان دیگر می افکند (لینگز، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰). از دیدگاه ابن هیثم، نور اولین عاملی است که به تنهایی احساس زیبایی را در انسان بر می انگیزد، مانند خورشید، ماه و ستارگان. علت ادراک زیبایی این اشیاء توسط نفس، نور آنهاست. ابن هیثم اشیاء نورانی موجد زیبایی اند. امام محمد غزالی نیز تناسب را عامل اصلی می دانست. در این جهان عاشقان را ریحانی است از باغ

جمال و جلال احد، در قرب به آن نور، سایه حُسن برمزد است. از دیدگاه توحیدی (آنچه ما را به جمال مطلق می‌رساند. همه این موجودات زیبایی، اما زیبایی خود را از جمال خداوند و افعال و صفات او برمی‌گیرند. در بررسی مفهوم نور، چگونه مفهومی است؟ و منظور از نور در اشراق چیست؟ غزالی در مشکوه الانوار، نور: در مرتبه اول که نور را که اشاره به ظهور دارد، بر بصر که قوی‌ترین ادراک حسی است اطلاق می‌کند و در مرتبه دوم، در نزد خواص، نور را بروح با صره که مُدرک حقیقی است، قلب را که حقیقت مدرکه انسانی است. شایسته اطلاق نور می‌داند. لفظ نور در تمام این مراتب، اطلاق مجازی است تنها حق تعالی شایسته اطلاق حقیقی لفظ نور و تنها مصداق حقیقی آن است. غزالی در معراج السالکین، شش معنا برای نور بر می‌شمرد که در مرتبه پنجم نور را برقرآن که رسول ﷺ اطلاق کرده و آن را استعاره از علم دانسته است. اطلاق حقیقی نور را فقط بر خدا، که به نظر وی نور مطلق است، جایز می‌شمرد. غزالی وجود را نور و عدم را ظلمت می‌نامد. چون نور راجع به ظهور و اظهار و مراتب آن است، بنابراین ظلمتی اشد از ظلمت عدم نیست، و در مقابل ظلمت، وجود همان نور است. سهروردی، نور بیش از هر چیز دیگر مستغنی از تعریف است. ملاصدرا تعبیری وجودی از نور دارد، در بیان معنای نور آن وجود که وجود شیء ظهور آن است، وجود اجسام نیز از مراتب نور است و چون نور کمال موجود بما هو موجود است، وجود اجسام نیز از مراتب نور است و چون نور دو لفظ اند برای بیان حقیقت. در آیه شریفه (الله نور السموات و الارض)، او نور (نور الانوار) را به معنای (وجود الوجودات) تفسیر می‌نماید. به نظر وی حقیقت هر شیء عبارت از نوری است که به آن، ماهیت ظاهر می‌شود. غزالی و ملاصدرا نور را به وجود و قطب شیرازی به وجود و وجود تفسیر کرده‌اند، تفسیر سومی نیز از نور هست که تفسیر خود سهروردی است. نور در فلسفه اشراق رمز آگاهی است. هر مُدرک ذاتی نور لافسه است و هر نور لافسه مُدرک ذات خود است. به عبارتی نوریت عین ظهور و ظهور عین ادراک ذات است. (بلخاری قهی، ۱۳۸۷، صص ۳۴۸، ۳۴۶)

هنر خوشنویسی به عنوان (هنر قدسی): در اسلام، هنر قدسی با اعمال اصلی دین و شیوه زندگی معنوی رابطه مستقیم دارد و هنرها یی چون خوشنویسی، معماری مسجد و تلاوت قرآن را در بر می‌گیرد و وحی و معنویت اسلامی از هنر قدسی را متجلی می‌سازد. (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۳) کتیبه نگاری با توجه به تقدسی که در تاریخ اسلام دارد و با وجود تمامی تفاوت‌های سبک شناختی و تنوع منطقه ای نوشتارها در تمامی دوران‌ها به مثابه عنصری تزئینی در یکدست کردن انواع گوناگون بناها به کار گرفته شده است. کتیبه‌های قرآنی زمینه ساز و ایجاد کننده فضایی معنوی و قدسی در مساجد هستند. کلمه رمز ظهور هستی در اندیشه اسلامی و عامل ظهور خوشنویسی مقدس در تمدن اسلامی است آیات

قرآن و تفسیر حکما و عرفای مسلمان، حق با (گن) خلق را اظهار و هستی را آشکار نمود. آیه (۳۵ مریم) ما كانَ اللهُ اَنْ يَّتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ شُبْحَانَهُ اِذَا قَضَىٰ اَمْرًا فَاِذَا مَا يَقُوْلُ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ، خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده که وی منزله از آنست او قادر است که چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد گوید موجود باش بی درنگ آن چیز موجود می شود. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ص ۴۵۴) این معنا در اندیشه محی الدین ابن عربی با مفهوم سماع هویت می یابد. هستی و تکون هر چیزی در عالم به سماع امر گن صورت می پذیرد. قرآن بر بنیاد کلمه و در صورت کتاب ظاهر گردید. (ربیع، ۱۳۹۶، صص ۶، ۶۲).

بنابراین آیه شریفه (۳۵ نور) اللهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهِ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجٍ زُجَاجَةٍ كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيُّ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلٰى نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ، خداوند نور وجود بخش آسمانها و زمین است. هنرمندان مسلمان با الهام از این آیه کریمه، با اشراق نگرش ایمانی خویش، آثاری بی نظیر خلق نمودند تجلی نور در معماری اسلامی نمادی از جوهری معنوی است. مسلمانان، قرآن را منشاء تمام زیباییها و سعادت و رستگاری بشر می دانند. و انعکاس کلام خدا و به نمایش دائمی گذاشتن آن در معرض عموم بسیار با اهمیت بوده است.

### پیشینه تحقیق

آیه نور در کتیبه های قرآنی در جهان اسلام همواره مد نظر بوده است. پژوهش ها و تحقیقاتی درباره نورشناسی و دانش نورشناسی و کتاب ابن هیثم و نورشناسی سهروردی انجام شده است. تحقیقاتی با عنوان نور فیزیکی و نور متافیزیکی با تکیه بر آراء ابن هیثم و سهروردی که نتایج هنرهای تصویری در حوزه فیزیک با مباحث متافیزیک با بعد اعتقادی دینی، اسطوره ای، عرفانی مرتبط می گردد. جنبه نوآوری، فرهنگ اسلامی از مهمترین خاستگاههای خوشنویسی هنر ایرانی بر گرفته از حس درونی هنرمند و آمیخته با فرهنگ و مذهب است. هنر خوشنویسی همچنین تجلی و درک امر قدسی در عالم واقع است در جهان معاصر خوشنویسی به عنوان موجود زنده چه به لحاظ کاربردی و تزئینی چه به لحاظ معنایی و استعلایی به عنوان قالب بیان بصری و خاستگاه نوآورانه و خلاق همچنان پیشرو محسوب می شود. فرهنگ اسلامی خاستگاه نوآوریها و خلاقیت های عصر خوشنویسی محسوب می گردد. داشتن دین کلام محور و داشتن هنر کلام محور در طول تاریخ باعث می شود که کاربردهای متنوعی در خوشنویسی کتیبه ها و همه آثار قابل مشاهده باشد. در حرکت تکاملی خوشنویسی متاثر از معنایی و رای مناسبات این جهانی است. هنرمند

با استفاده از مفاهیم نمادین هنر خویش را به کمال مطلوب رسانده و کتیبه نگاری نیز در معماری از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتیبه ها در تمام بناها اشاراتی به کلام خداوند دارند. و در انتقال باورهای دینی کاربرد داشتند.

## نور

هیچ رمزی کامل تر از نور برای یگانگی الهی وجود ندارد. هنرمند مسلمان بر آن است تا ماده خامی را که به آن شکل می دهد، به ارتعاشی از نور مبدل نماید. سطوح داخلی یک مسجد و گاه سطوح بیرونی آنها را با کاشی معرق ها می پوشاند. مقرنس همچنین به گرفتن و پخش کردن نور با ظریف ترین درجات کمک می نماید. نور نه تنها قسمت های مختلف بنا را وحدت می بخشد، بلکه همچنین به مثابه مغناطیسی برای جذب جان انسان به سوی وحدتی که نظاره گر آن است عمل می نماید و این امر عبادت کننده را به عنوان جزء لازمی از مسجد یا کلیسای جامع، یعنی مرکز زنده آن، به یاد می آورد. هدف هنر مقدس مواجه شدن انسان با تصویری رمزی از کمال خویش است، که آن را از قوه به فعل در آورد، فضایی در اختیار آدمی می نهد که می تواند جسماً بدان وارد و در آن احاطه شود. علاوه بر مسیحیت و اسلام درباره همه یادگارهای هنر مقدس که مکان های پرستش اند صادق است. برای نفس، تا خود را، از طریق رشد معنوی، با این مراسم خلعت پوشان منطبق سازد، یعنی با بزرگی ای که آسمان به هنگام خلقت برای انسان اراده کرد. (لینگز، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲) در حکمت نور محور اشرافی، سهروردی بین عشق و معرفت و لذت تناظر برقرار می سازد: عشق ثمره معرفت است و وصول به آن مایه لذت. و لذت ثمره محبت و محبت نیز ثمره معرفت است و نفوس در معرفت و محبت متفاوتند، عظیم ترین لذت را شهود جلال حق تعالی می داند که به ترتیب به نور الانوار و انوار قاهره (عقول) و انوار مدبره (نفوس) تعلق دارد. هر چند بالاترین مرتبه ادراک و لذت به ملکوتیان تعلق دارد، اما نفوس بشری نیز به تبع اصل ملکوتی شان از لذت شهود نور الانوار و ملاً اعلی و عجایب آن عالم بی نصیب نخواهند بود. که این امر جز با رهایی از ظلمات شواغل طبیعت حاصل نمی شود، در این عالم به نحو تام محقق نمی گردد، مگر برای حکمایی که سهروردی حکیمان روشن روان و مجردان صاحب بصیرت از این لذت در این عالم نصیب یابند و بدان از این جهان مشغول گردند و نور عالم اعلی را صریح ببینند و در نور غرق شوند و در آن خوشی ها ببینند هرچه عظیم تر. (ربیعی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۳) چون نور آفتاب از شب جدا شد تو را صبح و طلوع و استوا شد.

بود نور نبی خورشید اعظم  
زوال و عصر و مغرب شد پدیدار

دگر باره ز دور چرخ دوار  
چو خورشید عیان بنمایدت چهر

گه از موسی پدید و گه ز آدم  
نماند نور ناهید و مه و مهر

(شبستری، ۱۳۸۲، ص ۹۳)

از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوال شد، «پروردگارت را دیده‌ای؟» وی جواب داد: «او نور است، چگونه او را باید ببینیم؟» به بیانی دیگر، نور مجرد دیده نمی‌شود. خداوند نیز در کتابش اشارات مشابهی دارد. خداوند به ظهور نورش می‌نماید، می‌فرماید: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. داستان نورش همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی هست. پس از اتمام تذکار مراتب مختلف همانندی نورش، می‌فرماید: «نور، بر نور است.» خداوند به نور خویش هر کس را که خواهد هدایت نماید. و کامل می‌نماید، یعنی خداوند از طریق نور خود، آن نوری که متعین در مظاهر می‌شود و به سوی نور مطلق احدی خود، هدایت می‌نماید. خداوند مخلوقات را در ظلمت خلق کرد، بعد با نورش آن‌ها را پراکنده کرد، و به ترتیب در بیرون آشکار شدند. قیصری: این حدیث، اول ما خلق الله نوری، اولین چیزی که خداوند آفرید، نور من بود. «خَلَقَ: آفرید» پراکندن نور، هم به افاضه وجود مطلق بر موجودات ممکن اشاره دارد. نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شامل تمام کلیات و جزئیات می‌شود، یعنی هر اسمی که کلمه الله آن را مشمول کمال محمّدی یا مجلای ظهور خارجی آن نکرده باشد، از کمال برخوردار نیست. اولین اسمی که فردیت را محقق کرد، عین ثابته محمّد بود، چرا که اولین موجود مخلوقی است که از طریق فیض اقدس که همان روح مقدس محمّد باشد، وجود خارجی یافت، اول ما خلق الله نوری، اولین چیزی که خداوند آفرید، نور محمّد بود. (چیتیک، ۱۳۸۸، صص ۸۳، ۸۷، ۱۸۰) حق تعالی، محبوب خود، پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در لیل کمال برد از مسجد حرام که کنایه از مرتبه تنزیه و تقدیس حضرت ذات احدیت است به سوی مسجد اقصی، که عبارت از مرتبه و مقام شهود است، تا بنماید اقصی مراتب کمال ظهور خود را و بدانند که حقایق و معانی موجودات را. (شبستری، ۱۳۸۲، ص ۳۷۲)

هیچ رمزی کامل تر از نور برای یگانگی الهی وجود ندارد. در کلیه ادیان الهی صراحتاً به نور به عنوان رمز یگانگی پرداخته شده است چنانچه نور هر کجا باشد بیانگر نوعی هدایتگری و وحدت می باشد. سرچشمه نور که نور محض و وحدت صرف است. بدین سان نور در اساس گشودن است در نتیجه نور به طور مطلق در راستای فتح بابی برای گشایش است. آتش نامیرا، برابر با نور خداوند است همان فروغ ایزدی است که آتش عشق است. جهان در تفکر اسلامی جلوه و مشکات انوار الهی است جهان تجلی نور خداوندی و مشکات می باشد تجلی در کلیه آفریدگان خداوند نشانی از انوار الهی دارد.



تصویر: مسجد شیخ لطف الله، آیه ۳۵ سوره نور به خط ثلث، صفوی

## قرآن

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. (نور، آیه ۳۵) نور، هرچه درونی‌تر درخشانده‌تر، پیام شکوه شمایل‌نگارانه عبادتگاه مسیحی و در اسلام با همان فصاحت و رسایی از راه خوشنویسی و اسلیمی بیان می‌شود. خوشنویسان مسجد جامع همواره در هنر دست یافتن به تاثیر والایی از تعالی، از طریق الف و دیگر حروف عمودی، نزول وحی را ترسیم می‌نمایند. کلمه وحی شده، علو خود را در نزولش حفظ می‌نماید. (قرآن نامخلوق است) هر نقل قولی از آن کمتر از نوعی حضور الهی نیست. خوشنویسی قرآن فراهم شدن نوعی محمل قدسی بصری است. به قصد کسب برکتی از آنها است. نور همواره رمزی از شناخت در نحوه ابژکتیو یا سوژکتیو آن است و به دلیل نیروی همه فراگیر، نافذ و وحدت بخشش آنچه را شناخته می‌شود، نیز به رمز در می‌آورد، یعنی یگانگی فراباشنده و این همانی درون‌باشنده، بدین سان نور در اساس برای گشودن می‌تواند برای راه یکی از مقامات دیگر به بعد عمودی به کار آید. (لینگز، ۱۳۹۱، صص ۱۵۰، ۱۵۱)

از مفاهیم نور هدایت‌گری است. هدایت‌گری از ظلمت به نور از تعالیم مهم قرآن است. در این باب به بررسی حکمت آیه نور در قرآن می‌پردازیم.

در تمامی ادیان و فرق، نور، صفت وجود مطلق و مانند وجود است و این معنا در آخرین دین آسمانی یعنی اسلام ظهور و حضوری بی‌مانند دارد. وجود، عین نور است و در قوس نزول مراتب، این نور است که جنس عوالم فراتر از عالم حس و ماده است و از جمله این عوالم، عالم مثال، که منشاء و مبداء آثار هنر اسلامی است. وجود، تنها از آن خداوندی است که به تمامی نور است و این نور دارای مراتبی است که در امثال و صور ظهور می‌نماید.



از دیدگاه بوعلی سینا، معادل عقل بالملکه در سوره نور (زجاجه) است و دو فعل آن یعنی فکر و حدس به ترتیب، معادل (شجره زیتونه) است. قوه کامله، خاص عقل بالفعل و عقل مستفاد است. هنگامی که صور معقول برای عقل حاصل شده و عقل بخواهد آن‌ها را مطالعه و تعقل کرده و علاوه بر آن، معقول بودن این صور را نیز ادراک کند. معادل عقل بالفعل، در آیه نور، (مصباح) است. که (یکاد زیتها یضیء)، یعنی نوری که نزدیک است بر افروخته و روشن گردد. عقل مستفاد که مرتبه آخر عقل نظری است که در آن عقل می‌داند که صور معقول در او حاصل شده و قادر به تعقل آن‌ها به صورت بالفعل است که معادل آن در قرآن (نور علی نور) است. هر مرتبه نسبت به ما فوق خود بالقوه و نسبت به مادون خود بالفعل است، انتقال آن از قوه به فعل به واسطه‌ی (عقل فعال) است که در آیه نور، (نار) نماد آن می‌باشد، زیرا نور، مصباح از آن گرفته می‌شود، از خواجه نصیر طوسی در شرح اشارات پیرامون نسبت عقل با نور. در اندیشه‌های بوعلی سینا (یکاد زیتها یضیء و لولم تمسسه نار) است. به قوه قدسیه شبیه است، که بالفعل تعقل می‌نماید هر چند چیزی که آن را از قوه به فعل آورد، نباشد و (نور علی نور) شبیه به عقل مستفاد است، صور معقوله نوری و نفس قبول کننده آن، نوری دیگر است و (مصباح) به عقل بالفعل شبیه است و بدون نیاز به نوری که از دیگر جای کسب نماید، نورانی است و (نار) عقل فعال است. زیرا چراغ‌ها بدان روشن گردد. در اولین متون حکمت اسلامی، نسبت آشکاری میان (عقل و نور) ایجاد می‌شود. عقل از این رو که تنها قوه ایصال انسان به حقیقت غایی اوست و نور بدین دلیل که عامل اظهار و ابراز این حقیقت و بلکه خود حقیقت است: الله نور السموات و الارض. (بلخاری قهی، ۱۳۸۸، صص ۳۴۳، ۳۴۸)

هنر‌هایی چون تلاوت قرآن، خطاطی و معماری مساجد از جمله هنرهای قدسی هستند همان کسی که به وسیله قلم آموخت و خطاطی از جمله هنرهای قدسی می‌باشد که وحی بوسیله نوشتن حفظ می‌گردد.

## کتیبه‌های قرآنی

وجود کتیبه‌های قرآنی در معماری اسلامی از ویژگی‌های بارز هر بنایی است. هنر قدسی اسلام، تنزیل حقیقت آسمانی بر زمین است. این هنر تبلور روح و فرم وحی اسلامی است که به کسوت کمالی در آمده که به این جهان زوال تعلق ندارد. هنر سنتی اسلامی بیانگر معنویت و پیام گوهری اسلام به وسیله زبانی ازلی است. که با ازلیت و تمثیل پردازی بی‌واسطه‌اش، موثرتر عمل می‌نماید، پیام نهفته در این بناها انسان مستقیماً در محضر پروردگار می‌ایستد و با روح، ذهن و جسم خود نام مبارک او را ثنا می‌گوید. (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸)

هنرمندان مسلمان، خداوند را در مساجد به شکل انسان نمایش نمی‌دادند یا مجسمه و تمثال پیشوایان دین را نمی‌ساختند، و همواره هنر به کار رفته در مساجد از جنس نقوش و نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی بوده و شکل انتزاعی به خود گرفته است. این هنر انتزاعی و غیر ناتورالیستی در فرهنگ اسلامی، واکنشی در برابر هنر تشبیهی بوده است. تشبیه خداوند در قرآن به نور است. (ربیعی، ۱۳۹۶، ص ۵۰) در مسیحیت بر بنیاد آیات اولیه انجیل یوحنا (باب اول)، (در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. و کلمه جسم گردید و میان ما ظاهر شد. و وظیفه هنر ماندگار کردن این الوهیت بصری است، در اسلام خداوند تجسد نمی‌یابد، تجلی می‌گیرد. در تجلی اسماء و صفات حضرت حق (و نه ذات) در عالم ظاهر می‌شوند و کلمه رمز مطلق این ظهور است و کلمات، تجلیات ظهوری حضرت او در عالم. ظهوری خاص که ذات مطلق هنری مقدس چون خوشنویسی در تمدن اسلامی را شکل داده و هویت بخشیده است. (ربیعی، ۱۳۹۶، ص ۶۰)

در کتیبه نویسی تزیین و زیبایی حسی در تحقق معماری مطلوب براساس اصول اسلام، که امر قدسی فراتر از رستگاری که عشق به صورت شوق و طلب برانگیخته شود و همچنین معماری اسلامی به سوی متعادل شدن فهم ارزش‌های زیباشناختی هنر امروز و قدیم است.

### حکمت نوری، شهاب‌الدین سهروردی

معرفت‌شناسی اشراقی که از بررسی حقیقت نور آغاز می‌شود. این حکمت امری جدای از هنر حقیقی نیست، هنر می‌تواند هم زمینه‌ای برای تحقق این حکمت باشد و هم مجال برای تجلی آن. که می‌توان مبانی هنر سنتی را تدوین نمود. سهروردی که در افق معنوی حکمت نوری ایرانی سیر می‌نماید و تعالیم اشراقی خویش را به هدف احیاء حکمت نوری ایرانیان باستان تدوین می‌نماید. براساس نظر نصر، ماهیت ذوقی حکمت اشراق، گذر از استدلال به شهود است علمی که بنیاد هنر اسلامی، اشراقی را تشکیل می‌دهد، جز از طریق شهود بدست نمی‌آید. در گرو شرافت نفس و حصول اخلاق فاضله خواهد بود. فلسفه اشراق، حکمتی شهودی و انکشافی، برپایه اشراقات انوار قدسی و مبتنی بر اصل مشرقی، نور و ظلمت است. نور رمز آگاهی و خود آگاهی است، فلسفه سهروردی علم است. میان هنر و حکمت پیوندی ازلی برقرار است، و از واحد الوهی الهام می‌پذیرند و هر دو به زبان رمز بیان می‌گردند. علم الانوار و معرفت‌شناسی اشراقی در حکمت اشراق ما بعد الطبیعه مبتنی بر نور است و نور شناسی اشراقی در حقیقت همان معرفت‌شناسی اشراقی خواهد بود. نصر، اسلام شناس معاصر، نیز به شیوه‌ای بسیار نزدیک به هانری گربن، به حکمت اشراق نظر داشته است. حکمت اشراق تلاش می‌نماید تا بین تفکر استدلالی و

شهود ذوقی ارتباط برقرار نماید. حکمت اشراق آگاهانه در صد احیای حکمت خسروانی ایرانیان باستان است و حکمت اشراق که نصر بر آن تأکید دارد، امتزاج و ترکیب حکمت



ایران باستان با عرفان و حکمت اسلامی است. حکمت نوری که سهروردی کلیه ادیان را باهم همسو و در یک راستا به یک حکمت الهی جهت داده است لذا نور و ظلمت برگرفته از تعالیم انبیاء و قرآن است محور حکمت اشراقی نور است و ظلمت را در حاشیه عالم قرار نمی دهد خداوند نور هستی و خلق جلوه تجلی او باشد.

تصویر: موزه توپکاپی سرای عثمانی، سوره نور، آیه ۳۵

### خوشنویسی و معنویت زیبایی

بیان زیبایی خصوصیت هنر قدسی است. له الاسماء الحسنی، (سوره طه، آیه ۸) زیبایی عالم الوهیت. انا جعلنا ما علی الارض زینة لها... (سوره کهف، آیه ۷) زیبایی طبیعت است، و ما آنچه



را در زمین هست زیوری برای آن ساخته ایم تا بیازمایمشان که کدامیک نیکو کردارترند (خرمشاهی، ۱۳۹۶: ص ۲۹۴). ظهور صفات همانا غایت هنر اسلامی شناخت صفات جمالیه‌ی خداوند است. هنرمند متأثر از مفاهیم الهی می باشد. آن چه در فلسفه اشراق بازآفرینی می‌شود. چنان‌که در مبانی نظری هنرهای سنتی، هدف هنرمند رسیدن به صفا و شأن است.<sup>۱</sup> (هاشمی نژاد، ۱۳۷۲: ص

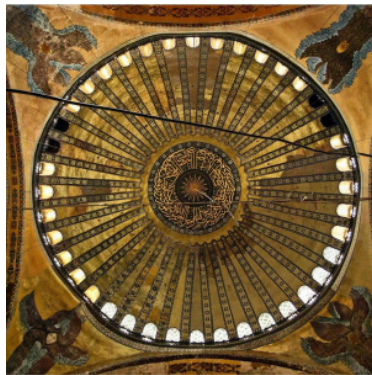
(۱۵۱)

تصویر: مسجد سلیمانیه، عثمانی، به خط ثلث، سوره نور آیه ۳۵، و الله خالق کل شیء

چنان‌که در فرهنگ اسلامی مسلمانان با تلاش برای یافتن (لباسی زیبا برای قامت یار) سعی در ثبت این جهانی کلام خدا نمودند، به شکلی که براننده آن کلام معنوی باشد. (لینگز، ۱۳۹۱، ص ۲۹) ارتباط هنر خوشنویسی با مبانی اصلی دین اسلام و قدسی‌ترین پدیده اسلامی<sup>۱</sup> صفا آن حالتی است که طبع را مسرور و مروح می‌سازد بی‌تصفیه قلب به تحصیل آن نتوان رسید.

یعنی قرآن، خوشنویسی را به عنوان هنر قدسی و هنر دینی معرفی می‌نماید. بنابراین منبع الهام قداست<sup>\*۱</sup> آن جهانی است. شواهد این نظر حضرت علی علیه السلام در ارتباط با پیدایش خوشنویسی است. (هاشمی نژاد، صص ۴۴، ۴۶) و تکامل فرم و حرکت در خوشنویسی مبتنی بر شناخت و تأثیر هنرمند از منبع فیض است. تجربه زیبایی‌شناسی برای خوشنویس در سیر از عالم ماده به معنی شکل می‌گیرد. (بلخاری قهی، ۱۳۸۹، ص ۷۱) و زاینده امر قدسی، زیرا (امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. منشأ صدور امر قدسی عالم روحانی است. (نصر، ۱۳۸۹، ص ۹۶) عبارت قرآنی (ن والقلم) (سوره قلم، آیه ۱) می‌تواند الهام‌بخش روح مومن قرار گیرد که هر لحظه انواعی از آن‌ها را با اهتمام بیشتر ابداع کند. (فریه، ۱۳۷۴، ص ۳۰۶) کاربردی بودن هنر سنتی در راستای تبیین این نظر که هنر سنتی در خدمت بیان زیبایی و در خدمت کشف کمال و نهایتاً زیبایی مطلق است خود ارزش محسوب می‌شود. زیرا هنر سنتی به عمیق‌ترین معنای کلمه برای کاربردی معین و آن به انسان خلیفه‌الله مربوط می‌شود که در نظر او زیبایی یکی از جوانب زندگی و همان قدر اجتناب‌ناپذیر است، (هاشمی نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۲) براساس حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اولین چیزی که خداوند خلق کرد نور بود»، اولین حقیقتی است که خداوند به عرصه وجود آورد. به واسطه آن تمامی خلقت شکل گرفت. (نصر، ۱۳۸۹، ص ۳۲) نور وسیر به باطن روح هنر اسلامی است سیر از ظاهر به باطن اشیاء و امور است. جهان در تفکر اسلامی جلوه و مشکات انوار الهی است و حاصل فیض مقدس است. حکمت معنوی است و حقیقت اسلام را متجلی می‌نماید (مددیور، ۱۳۸۷، صص، ۲۴۸، ۲۶۱)

رمز و تمثیل یکی از راه‌های ابلاغ حقایق بنیادی حکمت است. ارتباط هنر خوشنویسی با مبانی اصلی دین اسلام و قدسی‌ترین پدیده اسلامی یعنی قرآن، درک هنر خوشنویسی



منشاء آن قرآن، امکان‌پذیر است و جنبه تاریخی وحی و ارزش‌های معنوی قرآن در ارتباط با هنر خوشنویسی است.

تصویر: گنبد مسجد ایا صوفیه، عثمانی، به خط ثلث، الله نور السموات و الارض، سوره نور، آیه

\*۱ قداست به معنی ذات مطلق نامرئی و فوق بشری یعنی تجلی مینو و الوهیت است

## معماری اسلامی

نقش نور در معماری اسلامی نمودگار اصل تجلی است. در فلسفه اسلامی، مکتب اشراق مبتنی بر تمثیل نور، را سهروردی، بنا نهاد و طی قرن‌های بعد حکمای دیگری چون شمس‌الدین شهرزوری، قطب‌الدین شیرازی، ابن ترکه و ملاصدرا، آن را گسترش بیشتری دادند. نام مناره در عربی، از نور خداوندی را با کلمه الله یکسان می‌گیرد. قرآن راهنمایی در طریق به سوی خدا است، نوری که مسیر تاریک انسان را در این جهان روشن می‌نماید. رنگ‌ها رمز حالات و مراتب موجود در عالم وجودند، رنگ سفید رمز وجود مطلق است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آن جنبه از ضمیر او متناظر است که با تسلیم، آرامش، صفا، و سعادت است، مساجد چند رنگ هم رمز غنای آفرینش و دیگر جنبه روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، که تجلی بازتاب غنای پایان‌ناپذیر خزائن الهی است که هر لحظه در کار خلق است و امکانات بی‌پایان آن هرگز نقصان نمی‌پذیرد. شهادت بر وحدانیت خداوند، لا اله الا الله، در بردارنده معرفت اصلی درباره سرشت واقعیت است و اسلام، هماهنگ با حقیقت است. (نصر، ۱۳۸۹، صص، ۶۲، ۶۷)

نسبت خط با متون دینی در تمدن‌هایی که متون ارزش قدسی یافته است در شرایطی متون در تمدن‌ها به متون قدسی ارزش یافته که بستر وحی برآن حاکم می‌باشد در تمدن اسلامی متون دینی بر اصول الهی مبتنی است.

## بررسی حکمی آیه نور

ابن عربی، نور اسمی از اسماء الهی است، نور یعنی ظهور و انکشاف. نسبت عالم به حق تعالی که سرچشمه همه نورهاست، یعنی عالم به منزله سایه حضرت حق است، سایه‌ای که از خود وجودی عالم سایه حق تعالی است، نور متعین در مظاهر همان ضیاء است. گرچه ادراک نور مطلق به جهت تنزه ذات از هرگونه نسبت و اضافه ناممکن است، از جنبه ظهور در مظاهر یعنی از وراء حجاب مراتب ادراک شدنی است. اطلاق نور بر هر یک از مراتب هستی، است چون بر عالم مثال در مقایسه با عالم اجسام نوریت، یعنی قرب به عالم ارواح و حضرت اسماء و صفات غالب است، ابن عربی حکمت نوریه می‌نامد، یا حکمت ضیائیّه خوانده شود، که خصوصیت آن سایه، روشنی است و به اعتبار دوری و نزدیکی نسبت به نور مطلق سنجیده می‌شود. در نظر سهروردی نیز مراتب هستی، همان منطقه سایه روشن ابن عربی، به میزان قرب و بُعد نسبت به سرچشمه نور که نور محض و وحدت صرف است سنجیده می‌شود و تحقق می‌یابد. ابن عربی نوری داریم و ضیائی و ظلمتی، چنان که سهروردی هم از نور و ضوء و ظلمت سخن می‌گوید. ادراک نور در تقابل با ظلمت است که ضد اوست و نور ادراک شده

همان ضیاء است. تا ظلمت مطرح نشود و در تعقل نیاید ادراک نور حقیقی حاصل نمی‌گردد، چنان که وجود محض را نمی‌توان تعقل نمود که در مقابل آن عدم که ضد اوست قرار گیرد. ویژگی عدم همان ظلمانیت و تاریکی آن است، چنان که خصوصیت وجود نیز نوریت و روشنگری است. صفت ذاتی آن ضیاء یعنی سایه، روشنی است. ابن عربی، در نظام هستی یک طرف نور محض است و طرف دیگر ظلمت، میان این دو قطب، منطقه انوار است که به اظله، سایه‌ها تعبیر می‌شود، هر مرتبه نسبت به مرتبه بالاتر به منزله ظل و سایه‌ها است، سایه در اصطلاح ابن عربی همان نور متعین است که ضیاء نیز نامیده می‌شود، و ضیاء تعبیر دیگری است از آنچه سهروردی ضوء می‌خواند. (موحد، ۱۳۸۵، صص ۶۹۷، ۷۰۳)

نور از اسماء الهی است (الله نور السماوات و الارض). اگر نور نباشد وجود سایه قابل ادراک نیست. در پرتو نور است که ادراک ممکن می‌گردد. پس محل ظهور سایه الهی که عالم نامیده می‌شود اعیان ممکنات است که سایه حق بر آن‌ها افتاده و از این سایه آن مقدار توان دریافت که از وجود ذات حق بر آن افتاده است. (موحد، ۱۳۸۵، صص ۴۴۸) در نظر سهروردی نیز مراتب هستی، یعنی همان منطقه سایه روشن ابن عربی، به میزان قرب و بعد نسبت به سرچشمه نور که نور محض و وحدت صرف است. ابن عربی نوری داریم و ضیائی و ظلمتی، چنان که سهروردی هم از نور و ضوء و ظلمت سخن می‌گوید، ادراک نور در تقابل با ظلمت است که ضد اوست و نور ادراک شده همان ضیاء است. تا ظلمت مطرح نشود و در تعقل نیاید ادراک نور حقیقی حاصل نمی‌گردد، وجود محض را نیز نمی‌توان تعقل کرد مگر آن که در مقابل عدم که ضد اوست قرار گیرد. ویژگی عدم همان ظلمانیت و تاریکی آن است، چنان‌که خصوصیت وجود نیز نوریت و روشنگری است. ابن عربی، که در نظام هستی یک طرف نور محض است و طرف دیگر ظلمت، از آنچه سهروردی ضوء می‌خواند. حکمت نوریه و اشارت‌هایی به نور و سایه و تاریکی، سخنان شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی است که از حکمت حقیقی و هر آنچه از طریق کشف و ذوق و تأمل و تفکر حاصل می‌شود به علم الانوار تعبیر می‌نماید و محتوای حکمت اشراقی او نیز چیزی جز رابطه میان نور و ضوء و ظلمت و بیان مراتب انوار نیست. ابن عربی، نور که اسمی از اسماء ذات الهی است بوجود اضافی و علم و ضیاء هم اطلاق می‌شود. وجه اشتراک این هر سه مظهر بودن آن‌ها است. نور مطلق داریم و نور متعین در مظاهر. مقصود از نور مطلق ذات حق تعالی است که به جهت تجرد از نسبت و اضافات ادراک شدنی نیست و در عین حال ادراک همه چیز به اوست. نور متعین در مظاهر همان ضیاء است. (موحد، ۱۳۸۵، صص ۷۰۳، ۷۰۱)

سهروردی: علم شیء به ذات خود چیزی جز این نیست که آن شیء برای خود ظاهر و آشکار است و چیزی که برای خود ظاهر است، نور شناخته می‌شود، زیرا نور همواره به خود

ظاهر است و به غیر خود نیازمند نیست. نور الانوار به ذات دارای علم و حیات بوده و علم و حیات به هیچ وجه زاید بر ذات نور الانوار نیست. در واقع علم و حیات را با نور الانوار متحد دانسته است.

(ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۶ص ۲۸۱) الله نور السموات والارض یعنی دیدن نور، نه منور، توصیف نور از زبان نور است. مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانه کوکب دری یوقد من شجره مبارکه زیتونه خدا خداست. نور همان نور علم و دانایی و آگاهی است. مثال نور خدا، مانند مشکات است. از نظر قرآن، زمین و آسمان چراغدان نور خداست. اگر آسمان و زمین نبود، نور خدا نه ظاهر می شد، این تمثیل خداوند برای درک نور است. قرآن از مشکاتی که در آن مصباح وجود دارد و شجره مبارکه بود که برای حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ظاهر شد. شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه ولا غربیه. نوری است که از شجره زیتونه متصاعد می شود. خورشید از شرق طلوع می کند و در غرب غروب می نماید. حافظ که خود شاعری قرآنی است و حافظ قرآن بوده است، در شعرش از آتش نامیرا سخن گفته است. آتشی که نمیرد، همیشه در دل ماست. نور خدا هم آتشی است که خاموش نمی شود. می توان اولیاء خدا واجدان نور الهی دانست. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صاحب اضاءه است. حافظ: (نگار من که به مکتب زلفت و خط ننوشت، به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد). نور یک حقیقت واحده است فی کل الاحوال و فی کل الایام و فی کل الامکنه و فی کل الاوقات. به عبارت دیگر النور نور. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۱، صص ۳۰۶، ۳۱۸) خرد همان لوگوس و عقل الهی است که منشأ و منبع خرد انسانی است و زیبایی آن، موهبت عالی را که یقین است به خرد ارزانی می دارد. (ربیعی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۸) به سوی نور یعنی، از نظر عرفانی به معنای (حکمت) است و یا به معنای بازگشت نفس تبعید شده به منزل حقیقی اش است.

مبنا و محور حکمت اشراقی سهروردی نور است و عنوان حکمت اشراق به زیباترین وجه حاکی از علم الانوار و فقه الانوار نامیده است. و حکمت ایرانیان باستان را که قصد احیاء آن دارد حکمت نوریه شریفه می نامد. غزالی در مشکوه الانوار، نور را که در نورکه اشاره به ظهور دارد، بر بصرکه قوی ترین ادراک حسی است در نزد خواص، نور را بر روح باصره که مُدرک حقیقی است، اطلاق می نماید و در مرتبه خواص الخواص است، قلب را که حقیقت مُدرکه انسانی است. شایسته اطلاق نور می داند. اطلاق لفظ نور در تمام این مراتب، اطلاق مجازی است و تنها حق تعالی شایسته اطلاق حقیقی لفظ نور و تنها مصداق حقیقی آن است. قطب الدین شیرازی در شرح تعریف سهروردی از نور، می گوید: وجود نسبت به عدم، مانند ظهور است به خفا و نور به ظلمت، پس خروج موجود از عدم به وجود، همچون خروج از خفاء به ظهور و از ظلمت به نور است. به این اعتبار وجود کلاً نور است (هرچند

وی نور را مساوی با وجوب و ظلمت را مساوی با امکان نیز می داند). به نظر شهرزوری نیز از آن جهت که موجودات از ظلمت عدم به نور وجود ظاهر می شوند و در اعیان تحقق می یابند وجود، همان نور است. ملاصدرا تعبیری وجودی از نور دارد، در بیان معنای نور آن را با وجود مترادف می داند. وجود شیء ظهور آن است، وجود اجسام نیز از مراتب نور است و چون نور کمال موجود بما هو موجود است، وجود و نور دو لفظ اند برای بیان یک حقیقت. حال تفسیر سهروردی از نور چیست؟ به نظر قاعده مشرقی نور و ظلمت که طریقه حکماء ایران باستان، همچون جاماسپ، فرشاوشر، بزرگمهر و حکماء قبل از وی بوده، برپایه رمز نهاده شده است. سهروردی و متون اشراقی وی که نور در فلسفه اشراق، رمز آگاهی و خود آگاهی است. نوریت عین ظهور و ظهور عین ادراک ذات است. هانری کربن اصل مشرقی را که سهروردی برآن تأکید می نماید منطبق بر خورنه اوستا می داند که همان نور جلال و منبع علم اشراقی است، لذا سرچشمه های خورنه است. علم النفس در مباحث آغازین حکمت اشراق و به عنوان مقدمه نور شناسی و معرفت شناسی مطرح می شود. سهروردی که به افق معنوی حکمت نوری ایرانی نظر دارد و تعالیم اشراقی خویش را به هدف احیاء حکمت نوری ایشان تدوین می نماید، معرفت آنان را حکمت الهی می نگارد، معرفتی که در درجه نخست محصول عقل شهودی و افاضه از عالم قدس است. (کمالی زاده، ۱۳۹۲، صص، ۹، ۴۵)

هنر سنتی بر نوعی آگاهی باطنی از عالم اتکا دارد و دارای ماهیتی قدسی است. شهود و تفکر و تعقل و احساس با جریان یافتن در یک بستر، حلقه ای کامل می نماید که امور روحانی و محسوس را در بر می گرفت. مظاهر طبیعت، زمین در برابر آسمان، به عنوان مکان شکل گیری محسوس هنر، نقطه شروع مسیری است که از زمین، به آسمان یا جایگاه حقیقت حی قیوم راه می گشاید. از منظر عرفان اسلامی، هستی در سیری دوری حقیقت مشتمل است بر دو قوس یعنی حرکت از وحدت به کثرت، یا تجلی اسمای جمالی حق که موجب خلق عالم می شوند. و حرکت معکوس آن یعنی سیر از کثرت به وحدت، یا تجلی اسمای جلالی حق تعالی که سبب خلع وجود از موجودات می شود. ابن عربی، به حضرات خمس از مقام احدیت، تا مقام محسوس نزول مرتبه می یابد. مرتبه اول وجود، یعنی عالم ذات، عالم اسما و صفات و عالم افعال، روحانی صرف و خارج از ادراک حواس است. اولین مرتبه وجود، مقام احدیت، وجود صرف است و تعینی ندارد. این مرتبه مقام ذات، مقام لاهوت یا عالم غیب مطلق و مقام باطن اسم الله است. دوم مرتبه جبروت، اولین تعیین حق تعالی، مقام قاب قوسین یا ظاهر اسم الله است، که آن را قلم اعلی، روح اعظم، عقل کل، ام الكتاب و حقیقت محمدیه می نامند. حقیقت انسانی در همین مرتبه جای دارد که میان آن و حضرت الوهیت هیچ واسطه ای نیست، مقامی که بالاترین مرحله سیر سالک به مثابه



انسان کامل، تا همین مرتبه می‌تواند صورت گیرد. عالم ملکوت به معنی تجلی وجود به اسم (نور) است. در معماری همه در هندسه منظم، به دور یک نقطه مرکزی، در کل و جزء شکل می‌گیرند. مرز نهایی این نقطه مرکزی به منزله واحدیت، توسط قاب محیطی آن که نمودار قاب قوسین است. نقش زیرگنبد‌های مساجد ایران نقوش مشابهی در دوایر متواتری که نشان دهنده دو سیر معکوس (وحدت به کثرت) در قوس نزولی و سیر (کثرت به وحدت) در قوس صعودی وجود است و به نوعی آسمای الهی را، و در حرکت نزولی و دور شونده خود از مبداء وجود به سمت تکثر و تنوع روی می‌نهد، در این‌گونه نقوش، یک صورت در عین حال نمایانگر صفات جمالی و جلالی یا خلع و لبس دائم هستی است. در فضاهای معماری اشکالی که تصویرکننده مظاهر نور یعنی خورشید و ستاره است، نمایان همچون نوری است که نقطه مرکزی وحدت، مقام احدیت، و چراغی است که در مقام واحدیت یا حقیقت محمدیه، مضمون (نور، آیه، ۳۵) را تشکیل می‌دهد. بهشت برین به مفهوم جایگاه نور در دین زرتشت گزمنان یا برترین مرتبه آسمان، جایگاه فروغ بی‌پایان و سرودهای قدسی، فوق دیگر مراتب بهشت یعنی ستاره پایه و ماه پایه و خورشید پایه، و به مفهوم بهترین زندگی یعنی همجواری با اهورا مزدا است. به سبب بستگی درک حقیقت زیبایی به حصول بصیرت باطنی است. سلوک و طریقت معنوی با هنر ارتباطی نزدیک داشتند. شخص در سیر به سوی حقیقت، برای آن که تجسم حقیقت محمدیه و تجسد انسان کامل بر زمین باشد، تا اولین تعیین حقیقت یعنی مقام واحدیت. (طهوری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸)

همان‌گونه که سهروردی حقیقت زیبایی را دستیابی به عوالم بالاتر از طریق عالم مثال می‌داند در دین زرتشت نیز مفهومی از زیبایی به معنای هم جواری با اهورا مزدا است و شخص هنرمند در سیر خویش به سوی حقیقت برای آنکه تجسم کاملی از انسان کامل باشد، امکان عروج تا مقام واحدیت را دارد.

محراب، طاقچه یا دیواری رو به قبله (مکه)، جایگاه امام به هنگام اقامه نماز پیشاپیش صفوف مومنان که اعمال وی را تکرار می‌نمایند، این طاقچه یا دیوار در وهله اول نقش صوت‌گیری دارد، یعنی کلماتی را که به سوی آن بیان می‌شوند، منعکس می‌سازد و در عین حال از جایگاه هم‌خوانان در کلیسا یا مخارجة پشت محراب کلیسا، یعنی موضعی که، قدس اقداس است و محراب شکل کلی آن را در ابعادی کوچک‌تر نمایان می‌سازد، جلوه می‌نماید. قندیلی که در برابر محراب آویخته شده، موید این شباهت در نظام نمادپردازی است، این امر به مثابه نقطه تلاقی رمزپردازی مسجد و نمازگري پرستشگاه مسیحی است، و نیز نقطه تلاقی رمزپردازی مسجد و رمزگري هیکل یهود و هم رمزگري آتشکده پارسی، به همین جهت، رمزگري قندیل یا مشکوه و مصباح، به عبارتی عبادی است. (بورکهارت، ۱۳۶۹، ص ۱۵۳)

و قندیل خود یادآور (مشکوه) است که قرآن از آن بدین بیان یاد می‌نماید (سوره النور، آیه ۳۵) محراب مساجد. زاویه دعا در مسیحیت بر همین پایه استوار است. بعضی مضمون‌های مسیحیت کلیسای مسیحی از عنصر نور و تاریکی و ترکیب آن با سکوت، عالمی را ابداع می‌نماید. هنر اسلامی بر تضاد و عنصر نور و تاریکی چونان هنر مسیحی و یا هنر زرتشتی متمرکز نیست. اما از آنجا که این هنر با عالم ملکوت پیوند می‌خورد، عنصر نور را چون تمثیلی از جلوه وجود مطلق تلقی می‌نماید و سهروردی آن را نور الانوار می‌خواند که آسمان و زمین از آن پرتو می‌گیرد و از عدم به وجود می‌آید و موجودات به نسبت قرب به روشنایی از وجود بهره‌مندند. از این منظر نور به عنوان مظهر وجود در فضای معماری اسلامی افشاندن می‌شود. آینه‌کاری و بهره‌گیری از موزاییک‌ها و یا رنگ درخشانده طلایی برای گنبد‌ها و تزیین مقرنس‌ها و نقوش، بیانی از قاعده جلوه‌گری نور است (مددیور، ۱۳۸۷، صص، ۴۳۲، ۴۴۴)

آیه نور از برترین آیات عرفانی قرآن است. یکی از آثار هنری نشات گرفته هنرمندان از آیه نور کتیبه‌های خوشنویسی است. به صورت‌های گوناگون خوشنویسی شده است. این آیه بیانگر تمثیلی از تجلی وجود مطلق است.

خداوند نور هستی و خلق جلوه تجلی او باشد و (انی کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان أعرف فخلقت الخلق). ابن هیثم که مبسوط‌ترین نظریه اسلامی پیرامون زیبایی را همچنین در یک تحلیل نظری عمیق، تناسب که در نورشناسی اسلامی از ارکان زیبایی‌شناسی اسلامی محسوب می‌شود، پیوند ارگانیک نور و وجود را میسر می‌سازد. اگر تجلی را ظهور نور وجود بدانیم، قدر بیانگر قالب و ظرف آن است. یعنی در نظامی هماهنگ و متناسب ظهور یافته و تجلی می‌نماید. این تناسب و نظم است که وحدت را در ابعاد گسترده کثرت متجلی ساخته. اول تجلی لایتناهی وحدت، تنها در نظم هندسی است که خود را عیان می‌سازد که نظم، خود وحدت آفرین و وحدت نماست. به وحدت در کثرت نقوش هندسی هنر و معماری اسلامی است. (رامیار، ۱۳۸۵، صص، ۲۵۷، ۵۲۰) کاربردی بودن هنر سنتی به معنای این که هنر در خدمت کاربرد تام یا همان هنر برای هنر به عنوان مثال خط یا کتیبه نویسی قرآنی یکی از عناصر تزیینی و همچنین اعتبار بخشی به بنا با کاربرد آیات قرآنی می‌باشد. نور به عنوان مظهر وجود در فضای معماری اسلامی افشاندن می‌شود عالم تجلی نور تجلی حق است زیبایی جهان نتیجه تجلی نور الهی است نور حقیقتی است که در همه عالم حضور دارد.

## نتیجه‌گیری

هنر اسلامی بیان روح و معنا، و معنای هنر اسلامی با صورت تاریخی گذشته، و هنر جمع میان صورت و معنی است، به سخن مولانا در مثنوی حکمت دینی جوهر هنر دینی است. نوریک حقیقت واحده

است و بیشتر از یک حقیقت هم نیست. حقیقت واحد است، فی کل الاحوال و فی کل الایام و فی کل المکنه و فی کل الاوقات. به عبارت دیگر (النور نور). کتیبه نگاری از تأثیر گذارترین هنرهای سنتی در دوران اسلامی بوده است. مقصود هنر اسلامی، بیان زیبایی است. زیبایی جلوه‌ای از ذات احدیت است. زیبایی این جهانی سایه‌ای از نور است. هدف هنرمند مسلمان گذر از سایه به نور می‌باشد. معماری و خوشنویسی اسلامی در دوران معاصر خوشنویسی اسلامی هنری زنده است. هنرمندان از اقلام سنتی مسیرهایی تازه را برای فراتر بردن زیبایی شناسانه خوشنویسی اسلامی و راههایی برای گسترده شدن خوشنویسی در معماری بناهای اسلامی و آمیختن صورت و معنا با ترکیب های هنری را می‌جویند. مضمون بسیاری از آیات پر بسامد قرآن درباره حضور و قدرت مطلق الهی است. ترسیم اشکال متفاوت و فضا های محصور در آنها برجسته ساختن معانی مستتر در آیات قرآن است قدرت و کبریاء خداوند در اثر و نیروی وحی الهی به بیان دقیق تر انوار الهی است و فضای معماری اسلامی با نور تعریف می‌شود. در هنر خوشنویسی اسلامی حکمت معنوی نهفته است و در این هنر ظرفیت ها و قابلیت های زیبا شناسانه قرار دارد. که آن را به نوعی نسبت به دیگر هنرهای اسلامی متمایز می‌سازد. خوشنویسی اسلامی در زمین بازتاب کتابت کلام خدا لوح محفوظ است، این هنر در تمدن اسلامی سرچشمه تمام هنرها در هنر اسلامی است زیرا از قرآن نشأت گرفته است. متأثر از معنایی و رای مناسبات این جهانی است. به بیانی بیان حرکت استعلایی هنرمند و همچنین تجلی و درک امر قدسی در عالم واقع است. خوشنویسی در عالم اسلام به استغنا برپایه خود ایستاده است. و پیام را به واسطه محتوای معنایی اش منتقل می‌نماید. هرچند متن قرآن به تصویر در نیامد و آنچه هنر اسلامی را متفاوت می‌نماید این است که عنصر اصلی نقش محوری کلام اسلام است که از کلام خداوند قرآن سرچشمه می‌گیرد. بنابراین محتوا و قالب کتاب مقدس نقش اساسی آن در پیشرفت و تکوین کتیبه های قرآنی در بناهای معماری اسلامی را ایفا می‌نماید. منشا هنر اسلامی را باید به جهان بینی اسلام و وحی اسلامی که از جلوه های آن هنر قدسی اسلام و هنر اسلامی است. هنر اسلامی در وجه درونی و باطنی سنت اسلامی از سویی قرآن و حقیقت روح پیامبر ﷺ است. و هنر و معنویت اسلامی با حکمت و وجوه باطنی قرآن کریم همانا قرب الهی است پدید آمده است. به نظر مولوی انسان خود سازی است در دست پروردگار و حیات انسان موسیقی ای است که از آن ساز بر می‌خیزد.

## منابع:

۱. الهی قمشه ای، مهدی، ۱۳۷۹، ترجمه قرآن کریم، چاپ سیروس، تهران
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۹۶، قرآن عقل الله، نشر تهران، موسسه اطلاعات
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۸۱، اسماء و صفات حق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، وابسته به اوقاف و امور خیریه، چاپ پنجم، ۱۳۹۲
۴. تیتوس بورکهارت، ۱۳۶۹، هنر مقدس ( اصول و روش ها )، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، چاپ چهارم ۱۳۸۹
۵. بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۸، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، انتشارات سوره مهر
۶. بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۸، سرگذشت هنر و تمدن اسلامی (موسیقی و معماری)، تهران، انتشارات سوره مهر
۷. بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۷، معنا و مفهوم زیبایی در « المناظر » و « تنقیح المناظر »، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر
۸. بلخاری قهی، حسن، ۱۳۹۶، در باب زیبایی زیبایی شناسی در حکمت اسلامی و فلسفه غربی، انتشارات دانشگاه تهران
۹. بلر، شیلا، ۱۳۹۴، نخستین کتیبه ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین، مترجم، مهدی گلچین عارفی، انتشارات فرهنگستان هنر، ترجمه نشر آثار هنری متن
۱۰. بلر، شیلا، ۱۳۹۶، خوشنویسی اسلامی، مترجم، ولی الله کاووسی، انتشارات فرهنگستان هنر، ترجمه و نشر آثار هنری متن
۱۱. هیلن برند، رابرت، ۱۳۹۸، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، انتشارات روزنه، چاپ پنجم
۱۲. چیتیک، ویلیام، ۱۳۸۸، شرح سرفصل های فصوص الحکم، ترجمه: حسین مریدی، چاپ اول، ناشر انتشارات الهام با همکاری نشر کلمات
۱۳. خرمشاهی، بهاء الدین، ۱۳۹۶، ترجمه قرآن کریم، چاپ هشتم ( چاپ چهارم انتشارات دوستان )، با همکاری انتشارات نیلوفر و انتشارات جامی
۱۴. دزفولیان، کاظم، ۱۳۸۲، گلشن راز، شیخ محمود شبستری، چاپ طلایه ۸۰
۱۵. رامیار، محمود، ۱۳۸۵، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیر کبیر
۱۶. ربیعی، هادی، ۱۳۹۶، هنر و تمدن اسلامی، تهران، سازمان کتب و مطالعه تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت) پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی
۱۷. طهوری، نیر، ۱۳۹۱، ملکوت آینه، ( مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی )، نشر تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

۱۸. فریه، دبلیو، ۱۳۷۴، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انتشارات فرزانه روز
۱۹. کمالی زاده، طاهره، ۱۳۹۲، مبانی حکمی هنر و زیبایی از دیدگاه شهاب الدین سهروردی، موسسه تالیف و ترجمه نشر آثار هنری متن، فرهنگستان هنر، چاپ دوم
۲۰. لینگز، مارتین، ۱۳۹۱، رمز مثال اعلی تحقیق در معنای وجود، ترجمه، فاطمه صانعی، نشر، تهران، حکمت
۲۱. مدد پور، محمد، ۱۳۸۷، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی تهران انتشارات سوره مهر، چاپ سوم
۲۲. موحد، محمد علی، موحد، صمد، ۱۳۸۵، فصوص الحکم، نشر تهران، نشر کارنامه
۲۳. نسفی، عزیزالدین، ۱۳۹۴، الانسان الکامل، پیش گفتار هانری کرین با تصحیح ماریژان موله، ترجمه: مقدمه از دکتر سید ضیاءالدین دهشیری، تهران انتشارات طهوری، انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران
۲۴. نصر، سید حسین، ۱۳۸۹، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، نشر تهران، حکمت، چاپ سوم
۲۵. هاشمی نژاد، علیرضا، ۱۳۹۷، از صفا تا شان، نشر، کرمان، نشر مانوش
۲۶. تصاویر، ویکی پدیا

## The title of the contents

1. The Holy Quran, Mehdi Elahi Ghomshei , 2000 , edition , Tehran Sirous
2. Ebrahimi Dinani , Gholam Hossein , 2017 , Quran –Surveys , edition ettelaat
3. Ebrahimi Dinani, Gholam Hossein, 2013, Names and Attributes of Truth, Tehran: Printing and Publishing Organization, affiliated with Endowments and Charities 2002, Fifth Edition, 2014
4. Burkhart , Titus , 1990 , Fourth Edition , 2010 ,Sacred Art ( Principles and Methods, translated by Jalal Sattari , Soroush Publications
5. Balkhari Ghehi , Hassan, 2009, Mystical Foundations of Islamic Art and Architecture, Surah Mehr Publication
6. Balkhari Ghehi , Hassan , 2009 , History of Islamic Art and Civilization (Music and Architecture), Tehran, Surah Mehr Publications
7. Balkhari Ghehi , Hassan , 2017 , The meaning and concept of beauty in “Al-Ma-

- nazer” and “Tanqih Al-Manazer”, Tehran, Farhangistan Honar Publications
8. Balkhari Ghehi , Hassan , 2016, About the beauty of aesthetics in Islamic wisdom and Western philosophy, Tehran University Press
  9. Blair, Sheila, 2014, the first inscriptions in the architecture of the Islamic era of Iran, translator, Mehdi Golchin Arefi, Farhangistan Honar Publications, translated by Matan Art Works Publishing
  10. Blair, Sheila , 2017 , Islamic Calligraphy , translator , Valiollah Kavousi , Farhangistan Honar Publications , translated by Matan Art Works Publishing
  11. Hillen ,Brand , Robert ,2018, Islamic Art and Architecture , translated by Ardeshir Eshraghi , Rozeneh Publications , fifth edition
  12. Chetik , William, 2009 , Description of the headlines of Fusus al – Hikam , translated by Hossein Moridi , first edition, publisher of Elham Publications in Collaboration With Kalamat
  13. Publishing
  14. Bahauddin Khorramshahi , 2016 , The Holy Quran , 8th edition of Doostan Publishing House ),in Cooperation With Niloufer Publishing House and Jami Publishing House
  15. .Dezfulian Kazem , 2003, Golshan Raz by Sheikh Mahmoud Shabestari , Talaieh 80 edition
  16. Ramyar , Mahmoud ,2006 , History of the Quran , Tehran, Amir Kabir Publications
  17. Rabiee ,Hadi ,2017 , Islamic Art and Civilization ,Tehran , Books Organization and
  18. Study of Humanities Books of Universities (Position) Research Institute for Research and Development of Humanitie
  19. Tahoori , Nayer , 2012 , The kingdom of Mirrors ,(Collection of Articles on the Wisdom of Islamic Art) ,Tehran, Publishing, Scientific and Cultural Publishing Company
  20. Farieh, W,1995, iran s Arts , translated by Parviz Marzban , Tehran , Farzan Rooz Publishing
  21. Kamalizdeh , Tahereh , 2012 , principles of art and beauty from the point of view



- of shahabeddin suhrvardi , Authoring , Translation and publishing Institute of Text Art Academy , 2nd edition
22. Lings , Martin , 2012 ,Code of the Supreme Example of Research in the Meaning of Existence , translated by Fatemeh sanei , published by :Tehran ,Hekmat
  23. Madadpour , Mohammad , 2008 , Human Wisdom and Mystical Aesthetics of Islamic Art , Tehran Institute of Islamic Art , Culture and Art , Surah Mehr Publishing , Samad Movahed , Tehran Publishing ,Third Edition
  24. Movahed, Mohammad Ali , Movahed , Samad , 2006, Fusus al Hikam, Ibn e Arabi , Thehran , publishing , karnameh , publishing
  25. Nasafi , Azizoddin , 2015 , AL-Insan-AL-Kamil , Preface by Henry corbin with correction by Marijan MoLE
  26. Nasr , Seyed Hossein , 2010 , Islamic Art and Spirituality , Translation: Rahim Ghasemian, Tehran Publishing, Hekmat, Third Edition
  27. Hasheminejad , Alireza , 2018 , From Safa to Shan, Publishing, Kerman, Manoush Publishin
  28. Images are from, Wikipedia.com

